

# اهمیت همکاری مردم در امر مبارزه با چالش های محیط زیستی

فرید احمد "خواهانی"

انجیر محیط زیست، پروژه طرح و ترتیب پلانهای شهری / وزارت شهرسازی و اراضی

شماره تماس: ۰۷۹۸۶۵۱۶۶۶/۰۷۷۴۱۱۵۲۷۰

ایمیل آدرس: farid\_apk۲۰۱۲@yahoo.com

## چکیده:

بشر به عنوان تاثیر گذار ترین موجود بالای محیط زیست می باشد، زیرا محیط زیست در بر گیرنده کلیه عوامل تاثیرگذار در زندگی بشر است و در این میان او می بایست خود را موظف به حفظ محیط زیست بداند. اما بدبختانه انسان از بدو پیدایش از مخاطرات برخاسته از عملکرد خویش نسبت به محیط زیست را نمیدانست و همواره برای بهبود زندگی و معیشت خویش از هیچ نوع تلاش و مداخله بر طبیعت دریغ نکرد، که سر انجام منجر به تخریب محیط زیست گردید. بنابر این نقش انسان در تخریب و احیای محیط زیست از اساسی ترین شروط پنداشته می شود. از این رو مشارکت و همکاری مردم در پیش گیری، جلوگیری و کاهش اثرات ناشی از فعالیت های بشری نسبت به محیط زیست الزامی بوده و بدون همکاری جوامع بشری، سازمان های ملی و بین المللی در احیای دوباره محیط زیست اثر چندانی نخواهد داشت.

## مقدمه:

محیط زیست سالم و عاری از آلودگی از جمله نیازمندی های اولیه بشر بوده، دولت ها مکلف اند که این مطلوب را برای شهروندان فراهم سازد. مشکلات محیط زیست به عنوان یک پدیده فراگیر در تمامی کشورهای دنیا به نحوی وجود داشته و هیچ کشوری نیست که از تهدیدات این پدیده کشنده مصئون باشد. دانشمندان و پژوهشگران عرصه محیط زیست مخاطرات محیط زیستی را فاجعه بار ترین پدیده خطرناک برای آینده بشریت دانسته و به بهبود آن تاکید دارند، محیط زیست طبیعی اثر گوارا بر روان انسانی دارد. محیط منزه و پاک زندگی را معطر می سازد. نوای دلنشین پرندگان، لطافت دریا ها و جویباران، زمزمه دل انگیز پرندگان، شادابی و زیبایی مناظر سرسبز همه و همه از جمله خلقت حیرت انگیز پروردگار است که برای ابقای حیات در این کره زمین اعطا نموده است. بنابر این بر انسان نیز فرض گردیده تا از این نعمات بی بهای الهی به درستی پاسبانی کرده حراست و حفاظت نماید. بی تردید بدون همکاری و مشارکت مردم در کنار دولت ها نمی توان به مقصود و مطلوب که همانا حفاظت محیط زیست است، رسید. در این مقاله سعی گردیده مسئولیت های جوامع بشری نسبت به محیط زیست و منابع طبیعی که شعار جهانی توسعه پایدار نیز همین هدف را دنبال میکند که "نیازمندی های نسل فعلی با در نظر داشت نیازمندی های نسل آینده" در نظر گرفته و انسان را متوجه اصرافات نماییم.

## بیان مسئله:

انسان از بدو پیدایش بنابر نیازمندی ها وادامه حیات خویش به طبیعت مداخله کرده واز آن استفاده نموده است طبیعت نیز به عنوان بستر حیات، انسان را به بلند ترین قله های موفقیت و پیشرفت رسانیده است، این پیشرفت و ترقی را مدیون منابع موجود در این کره خاکی می دانند، سرانجام با مداخلات بیش از حد به طبیعت و منابع طبیعی، مشکلات و چالش های متعدد جهانی را بار آورد. که میتوان تخریب لایه ازون تغییرات اقلیم جهانی، از بین رفتن جنگلات، انقراض حیوانات و نباتات نادر و کمیاب و... از جمله چالش های محیط زیستی میباشد. انسان بعد از انقلاب صنعتی بیشتر به طبیعت تاخت و زمین و منابع طبیعی را بیش از محدوده توان آن مورد استفاده قرار داد، که منجر به مشکلات بیشتر گردید. سرانجام بشر بعد از درک چالش ها و مخاطرات جهانی مصمم، بر مبارزه علیه چالش های محیط زیستی گردید. که کشورها و سازمان های جهانی با طرح برنامه ها ناگزیر به تشکیل جلسه ها، کنوانسیون ها و پروتوکول های به سطح دنیا و اشتراک اکثر کشورهای عضو گردید. بی تردید مبارزه علیه چالش

های محیط زیستی بدون مشارکت و همکاری های مردمی، جوامع محلی، منطقه ای و جهانی، اهداف برنامه ها و پروگرام ها، پروتوکول ها و کنوانسیون ها را به سر منزل مقصود نمی رساند. نحوه و میزان مشارکت مردم، جوامع ذینفع و جوامع محلی در روال چالش های محیط زیستی، یکی از ویژه گی های برجسته و کلیدی است. در مطالعات ارزیابی نقاط مختلف جهان، نظرات مردمی به نحوی در فرایند ارزیابی اثرات محیط زیستی گنجانیده می شود. عموماً میتوان گفت که در کشورهای پیشرو مطالعات ارزیابی، نظرات جوامع محلی و مردم اهمیت بالاتر دارد. جوامع محلی به واسطه این که از محیط پیشنهادی اجرای پروژه شناخت بیشتر دارند، به انجام شناسای بهتر آن کمک می کنند، مضاف بر اینکه با اعمال علایق و دغدغه های جامعه محلی در مطالعات، از ایجاد تعارض جامعه محلی با پروژه اجتناب می شود.

در زمان اجرای پایش محیط زیستی شاخص های از طرح پیشنهادی که اثرات بارز محیط زیستی در پی دارند، نظارت و اندازه گیری می شوند. به واسطه پایش محیط زیستی، امکان پیش بینی و شناسای اثرات طرح پیشنهادی، بر محیط زیست ممکن می شود.

پایش محیط زیست دو نقش مهم در مطالعات ارزیابی اثرات محیط زیستی ایفا می کند، نخست آن که میزان اثر بخشی روش های تقلیل اثرات سوء را مشخص می کند و دیگر اینکه تغییر پارامتر های محیطی در خلال اجرای پروژه پیشنهادی را مطالعه می کند. مطالعات پایش محیط زیستی عمدتاً در دو فاز ساختمانی و بهره برداری به انجام میرسد. بنابراین نقش مردم را در بهبود وضعیت محیط زیستی از اساسی ترین روش های مبارزه علیه چالش های محیط زیستی می توان عنوان کرد. اداره ملی حفاظت محیط زیست به عنوان عالی ترین مرجع تطبیق اهداف، قوانین، مقررات، و پالیسی های محیط زیستی که در قانون، مقررات و پالیسی ها محیط زیستی بصورت مشخص تسجیل یافته نقش و مشارکت مردم را واضح ساخته و با ایجاد شوراهای محیط زیستی به سطح محلی، ولایتی و کشوری از آن به عنوان یک ابزار مفید و ممد پیش بینی کرده است.

برای اینکه کشور عزیز ما عاری از چالش های محیط زیستی باشد و یا مشکلات را به حد اقل برسانیم، نخست باید مردم را از اضرار مخاطرات محیط زیست آگاه ساخته و اهمیت محیط زیست سالم را برای شان ابلاغ نماییم، در قدم دوم، در ترویج فرهنگ محیط زیستی و مسئولیت های شهروندان در قبال محیط زیست و حفاظت و حراست آن مردم را بسیج سازیم.

همان قسمی که در فوق تذکر گردید، دولت افغانستان در سال ۱۳۸۴ در چوکات حکومت، اداره را نیز تحت عنوان (اداره ملی حفاظت محیط زیست) تشکیل داده و به تعقیب آن قانون محیط زیست، مقررہ ہا، پالیسی ہا و لوایح را جهت بہبود وضعیت محیط زیست و حفاظت درست از محیط زیست "حفاظت صحت بشری، حیوانی و نباتی و بہبود وضع معیشت آنها" از مرحلہ تدوین الی اجرا در آورده است. و در اسناد قانونی متذکرہ مشارکت و ہمکاری مردم (شہروندان)، صاحبان صنایع آلاینده ہا، نهاد ہای دولتی سکتوری محیط زیستی را لازم داشته و نظارت و کنترل از تطبیق این اسناد قانونی را، مسئولیت ادارہ ملی حفاظت محیط زیست در ہمکاری با جوانب ذیدخل می باشد، دانستہ است.

آنچہ کہ قابل نگرانی و آیندہ محیط زیست را در افغانستان بیشتر بہ مخاطرہ می اندازد، جرایم محیط زیستی می باشد. زیرا میزان وقوع جرایم محیط زیستی در افغانستان بسیار بالا است. متأسفانہ شہروندان افغانستان بدون در نظر داشت قانون، دست بہ ارتکاب انواع جرایم محیط زیستی می زنند. این خود، ناکارایی قانون، بی کفایتی نہادہایی ذی دخل و بی پروایی مردم نسبت بہ ارج گذاری بہ طبیعت و محیط زیست را نشان می دہد. براساس فقرہ ۱ مادہ ۸۰۷ کد جزا افغانستان «ہر گاہ اگر شخصی، مواد مضرہ یا مواد آلودہ کننده را در آب، خاک، ہوا یا زمین بہ اندازہ ای کہ کیفیت فیزیکی، کیمیای یا بیولوژیکی آن ہا را طوری کہ بہ انسان یا سایر موجودات زندہ، گیاہان یا بناہا مضر باشد، پخش یا مخلوط کند، مرتکب جرم محیط زیستی شدہ دانستہ و در پرتو قانون

محیط زیست بہ طور کلی در برگیرندہ محیطی است کہ انسان ہا و حیوانات در آن زندگی می کنند و بہ این اعتبار، جرایمی کہ علیہ آن صورت می گیرد، بہ نحوی آسیب آن بہ انسان ہا می رسد. چون در نہایت، این انسان است کہ از منابع طبیعی (حیوانات و نباتات) استفادہ می کند .

در باب مصادیق جرایم محیط زیستی می توان گفت کہ قلمرو مصادیق جرایم محیط زیستی بسیار وسیع و گستردہ است. مہم ترین مصادیق جرایم محیط زیستی کہ قانون گذاران افغانستان در کد جزا آن ہا را جرم انگاری کردہ و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفتہ عبارت است از: آلودہ کردن آب، خاک، ہوا، قطع بی رویہ درختان، تخریب جنگلات، مراتع و ساحہ ی سبز، انداختن مواد سمی و مکروبی در چاہ ہا و مخازن آبی، تولید و توریڈ مواد نفتی بی کیفیت، انداختن زبالہ ہا، ریختن فاضلاب، ایجاد سیلاب و... می باشد. چنین جرایم بیشتر در شہر کابل مصداق رفتار شہروندان نسبت بہ محیط زیست می باشد. حفر چاہ های جذبی، انداختن زبالہ ہا در مکان های نامناسب، سوخت مواد فوسیلی دودزا، عدم کانالیزاسیون مناسب شہری، توریڈ مواد نفتی بی کیفیت (تیل و گاز)، استفادہ

از ذغال سنگ تصفیه نشده و توسعه شهری بدون پلان های تخریکی و خودسرانه از جمله بزرگترین عوامل آلودگی های محیط زیستی در این شهر به شمار می رود. که میتوان گفت چنین شرایط را مردم مرتکب شده و دولت به تنهایی نخواهد توانست وضعیت پیش آمده را مدیریت کند. در واقع بحران محیط زیستی یا جرایم محیط زیستی، امروز یک مسأله ای است که توجه مجامع ملی و بین المللی را به خود معطوف کرده است. بشر امروزی با توجه به پیشرفت و دستیابی آن به تکنولوژی، دست به ارتکاب جرایم محیط زیستی می زند که نتیجه ی آن، تخریب، آلودگی و انهدام محیط زیست است. پس هر گاه اگر محیط زیست توسط شخصی تخریب و آلوده شود، این تخریب و آلودگی پیامدهای خطر و مرگباری را برجای می گذارد که در نهایت انسان دچار مشکل شده و مبتلا به انواع بیماری های خطر و گاهی هم باعث بیماری های همه گیر خواهد شد. بنابر این مردم برای یک آینده درخشان و عاری از مشکلات محیط زیستی در تبانی با حکومت و نهاد های خصوصی حامی محیط زیست، به چالش های پیش آمده رسیدگی کرده و در مدیریت کنترل، کاهش و جلوگیری از اثرات ناگوار محیط زیستی سهیم شوند.

بشر با درک حقانیت از مخاطرات محیط زیست مصمم بر مبارزه علیه چالش های محیط زیستی، با یکدیگر همبستگی داشته و با نهاد های بین المللی امور محیط زیستی متعهد به مبارزه علیه مشکلات های پیش آمده هستند. با توجه به این پیمان و همبستگی که کشور ها برای حفاظت از محیط زیست علاوه بر قوانین داخلی بر یک سری اصول کلی حاکم بر محیط زیست نیز توافق دارند. اصول کلی حاکم بر محیط زیست مانند اصول کلی حقوق، از جمله اصول است که نه تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه بین المللی نیز مورد پذیرش واقع شده و در قوانین داخلی همچو اسناد بین المللی از جمله اعلامیه استهکلم ۱۹۷۲، ريو ۱۹۹۲ و منشور ۲۱ به این اصول پرداخته شده است. بر اساس این اعلامیه ها، کشور ها ملزم به رعایت این اصول، از جمله اصل حفظ تعادل محیط زیست، اصل انصاف، اصل حق آگاهی و مشارکت، اصل توسعه پایدار، اصل پیش گیری، اصل احتیاطی، اصل جبران خسارت و... می باشد. هدف این اعلامیه ها رسیدگی به مسائل محیط زیستی و آثار فعالیت های بشر بر محیط طبیعی می باشد. این اصول در واقع باعث تحقق اهداف محیط زیست می شود. بنابراین کشورها در قوانین خود جرایم زیست محیطی و افعالی را که منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست می شود، جرم انگاری کردند تا مرتکبین جرایم زیست محیطی مورد پی گرد قرار بگیرند. کشور ما افغانستان نیز برای حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از جرایم زیست محیطی قوانینی را به تصویب رسانیده است. از جمله: قانون محیط زیست مصوب (۱۳۸۵) قانون آب، قانون مربوط به جنگلات، مقرره کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا، مقرره ارزیابی اثرات زیست محیطی و همچنان کد جزا که جدیداً در سال (۱۳۹۶) به تصویب رسیده است، قانون گذار افغانستان در

باب یازدهم در پنج فصل جرایم زیست‌محیطی را جرم‌انگاری کرده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته است. (حجرانی، خدابخش، اطلاعات روز ۱۳۹۹)

در واقع اگر به محتوای متون توافقات، کنوانسیون‌ها، پروتوکول‌ها و همچنان به قوانین، مقررات و پالیسی‌های محیط زیستی عمیقاً دقت شود، نقش مردم و مشارکت جوامع بشری برای بهبود وضعیت محیط زیستی و همچنان درپیش‌گیری، جلوگیری و کاهش اثرات محیط زیستی، همکاری مردم برجسته بوده و بدون مشارکت مردم به اهداف محیط زیستی نایل نخواهیم آمد. بطور مثال اگر شهر کابل را در نظر بگیریم، در این شهر بزرگ بیشتر از هفت میلیون نفوس زندگی می‌کند و در این شهر صد‌ها مورد مشکلات محیط زیستی وجود دارد، از جمله توسعه شهری بدون پلان مناسب شهری، نبود کانالیزاسیون مناسب شهری، نبود محل مناسب برای دفن و ریسایکل زباله‌ها و کثافات، نبود ساحات سبز که ظرفیت تصفیه هوا این شهر را داشته باشد. بنابر مشکلات فوق اگر صرف کثافات شهری را در نظر بگیریم، شهروندان اگر نیت همکاری و مشارکت با شهرداری را داشته باشد فی‌نفر روزانه به اندازه یک قطعی گوگرد زباله‌ها را در محل مناسب آن بگذارند ضرب هفت میلیون قطعی گوگرد گردیده و حجم آن در حدود ۴۲ متر مکعب خواهد شد. که این مثال می‌تواند کوچک‌ترین نمونه همکاری مردم در حفظ محیط زیست باشد، اما بزرگترین آگاهی‌دهی از نقش مردم در حفاظت از محیط زیست می‌باشد.

### **نتیجه‌گیری:**

انسان از ابتدای زندگی در روی کره زمین به طبیعت تاخته و منابع طبیعی را به شکل از اشکال استفاده نموده است. و این منابع طبیعی بوده که باعث پیشرفت و تعالی انسان گردیده است. اما انسان را می‌توان به عنوان مخرب‌ترین موجود بالای محیط زیست دانست، زیرا انسان از بدو پیدایش به عنوان متفکرترین خلقت خداوند به کنج‌کاوی و پیشرفت فکر کرده و بالای هر پدیده به تحقیق پرداخته است. این تلاش‌های انسان نه تنها باعث تغییر در زندگی بشریت گردیده و عصر تکنالوژی را به بار آورد، بلکه دایره یا سیکل طبیعت را به مخاطره انداخته است که تاوان آن را بشریت خود می‌پردازد. از جمله تخریب لایه اوزن، تغییر اقلیم و گرم شدن جهان، از بین بردن جنگلات و منابع طبیعی، انقراض حیوانات، پرندگان و نباتات و... را می‌توان از جمله مداخلات غیر منصفانه انسان به طبیعت و محیط زیست دانست. حالا با توجه به اینکه انسان به عنوان مخرب‌ترین موجود بالای محیط زیست تشخیص گردیده، بی‌تردید در بهبود آن نیز نقش اساسی را می‌تواند بازی کند. بر انسان لازم است دوش دوش مراجع زیربسط ملی و بین‌المللی از هیچ نوع تلاش و همکاری دریغ نورزیده و برای محیط زیست پاک تلاش نمایند. بنابر این با توجه به تعهدات ملی و بین‌المللی که در قوانین، مقررات و پالیسی‌ها وضاحت داده شده است، بشر بخاطر آینده‌ای پر مخاطر محیط زیست مکلفیت‌ها و وجایبات خاصی نسبت به حفاظت محیط

زیست دارد. تا با مشارکت و همکاری های بی دریغ خود، در احیای مجدد محیط زیست نقشی ارزنده و اساسی داشته باشد. قسمی که در بیان مسئله اشاره گردید در صورت مشارکت و همکاری به نهاد های حفاظت از محیط زیست مردم توجه داشته باشد، آینده محیط زیست ما پر خطر نخواهد بود. غرس درختان و حفاظت آنها، جمع آوری زباله ها در مکان مناسب، آلوده نکردن هوا، آب و خاک، شکار نکردن بی رویه حیوانات و پرندگان، رعایت و توجه به قوانین، مقررات محیط زیستی، از جمله موارد هستند که آینده درخشان محیط زیست ما را تضمین می کند.